

نیروهای پدیدآورنده حقوق

مؤلف
ژرژ ریبر

ترجمه
دکتر رضا ستوهی زاده
استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه : ریپر، ژرژ، ۱۸۸۰ - ۱۹۵۸ م.
 Ripert, Georges
 عنوان و نام پدیدآور : نیروهای پدیدآورنده حقوق / مولف ژرژ ریپر؛ مترجم رضا شکوهی زاده.
 مشخصات نشر : تهران: مجد، ۱۳۹۵.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۷۵۴-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : علم حقوق
 موضوع : حقوق — فلسفه
 موضوع : حقوق — فرانسه — تاریخ
 شناسه افزوده : شکوهی زاده، رضا، مترجم
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ن ۹ / ۲۳۰ k
 رده بندی دیویی : ۳۳۰
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۵۲۸۳۵۷

هرگونه تکثیر کاملاً یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
 موارد مجاز را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

نیروهای پدیدآورنده حقوق

ریپر، ژرژ
 مترجم: دکتر رضا شکوهی زاده

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۶ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصر «مجد» است.

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷ طبقه پنجم

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۴۱۲۰۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۷۵۴-۵

ISBN: 978-600-193-754-5

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منیری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۰۲۱۶۶۴۹۰۹۹۸

فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور بطور منظم منتشر می شود.

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم.....	۱۳
پیشگفتار نویسنده.....	۲۷
فصل نخست: پایداری، تحول و پیشرفت حقوق	۳۱
گفتار نخست: پایداری حقوق.....	۳۱
۱- استمرار حقوق.....	۳۱
۲- مفردم انقلاب.....	۳۴
۳- روحیه محافذه د ان حقوقدان.....	۳۷
۴- احتیاط قضات.....	۳۹
۵- عادات متخصصان حقوق.....	۴۲
۶- نگاه مشترک حقوقدانان نسبت به حقوق موضوعه.....	۴۴
۷- نقد بی اعتبار کهنگی فوایز.....	۴۷
۸- نیروی سنت.....	۵۰
۹- نظریه‌های غلط در خصوص پایداری حقوق طبیعی.....	۵۱
۱۰- تحول ضروری حقوق.....	۵۴
گفتار دوم: تحول علمی.....	۵۷
۱۱- ماهیت تحول علمی.....	۵۷
۱۲- حقوق دنیای جدید.....	۵۹
۱۳- واقعیات مادی و شکل گیری حقوق.....	۶۱
۱۴- کشفیات علمی و قواعد حقوقی.....	۶۴
۱۵- تعارض میان ذهنیت علمی و ذهنیت حقوقی.....	۶۷
۱۶- تغییر خلقیات و واکنش حقوق.....	۷۰
۱۷- خوش خدمتی حقوقدانان در مقابل تحولات علمی.....	۷۳
گفتار سوم: مفهوم پیشرفت اجتماعی.....	۷۵
۱۸- فلسفه پیشرفت.....	۷۵
۱۹- حقوق اجتماعی و سازمان جامعه مدرن.....	۷۸
۲۰- مفهوم پویای حقوق.....	۸۰
۲۱- تمایلات انقلابی.....	۸۳
۲۲- تحول اجتماعی.....	۸۵
۲۳- اسطوره پیشرفت اجتماعی.....	۸۶

۲۴- پیشرفت واقعی حقوق.....	۸۸
فصل دوم: نبرد برای حقوق.....	
۹۳- گفتار نخست: پیدایش حقوق.....	۹۳
۲۵- پیدایش حقوق بوسیله نیروهای اجتماعی.....	۹۳
۲۶- اثبات گرایی حقوقی.....	۹۵
۲۷- جستجو برای یافتن علل پیدایش قوانین.....	۹۸
۲۸- تبارشناسی قوانین.....	۱۰۰
۲۹- نه های پیدایش حقوق و نیروهای پدیدآورنده.....	۱۰۳
۳۰- نیروهای پدیدآورنده حقوق.....	۱۰۴
۳۱- عارض نیروها و ایستایی حقوق.....	۱۰۷
۳۲- نیروهای محافظ کار.....	۱۰۸
۳۳- نیروهای پدیدآورنده.....	۱۱۰
۱۱۲- گفتار دوم: کنش نیروهای اجتماعی در قانونگذاری.....	۱۱۲
۳۴- ماهیت قانون در نظام مکتبک.....	۱۱۲
۳۵- نیروی شمارگان.....	۱۱۴
۳۶- افکار عمومی.....	۱۱۶
۳۷- نبرد طبقات اجتماعی.....	۱۱۷
۳۸- تعارض منافع.....	۱۱۹
۳۹- کنش گروه ها.....	۱۲۲
۴۰- سندیکالیسم.....	۱۲۴
۴۱- احزاب سیاسی.....	۱۲۶
۴۲- اسلحه اعتصاب.....	۱۲۸
۴۳- خشونت علیه قدرت.....	۱۳۰
۴۴- نقش حقوقدانان در قانونگذاری.....	۱۳۱
۱۳۳- گفتار سوم: داوری قدرت.....	۱۳۳
۴۵- نبرد نیروها در پارلمان.....	۱۳۳
۴۶- نمایندگانی در نقش داور.....	۱۳۵
۴۷- خلع سلاح مطالبات.....	۱۳۶
۴۸- پذیرش آسان و مصالحه ضروری.....	۱۳۹
۴۹- مدنظر قرار دادن منافع ملی.....	۱۴۰
۵۰- مشکلات ناشی از ایدئولوژی ها.....	۱۴۲
۵۱- تصاحب قدرت سیاسی.....	۱۴۴

۵۲-	ماهیت قوانین مبتنی بر مصالحه.....	۱۴۵
۵۳-	نظم و صلح پدیدآمده بوسیله قانون.....	۱۴۷
فصل سوم: اخلاق و مذهب		
۱۵۱-	گفتار نخست: افول نیروی مذهبی.....	۱۵۱
۵۴-	اصل مدرن لائسیته.....	۱۵۱
۵۵-	دین جداگری از نهادها و قواعد حقوقی.....	۱۵۳
۵۶-	نقش نیروی مذهبی در پیدایش حقوق.....	۱۵۵
۵۷-	تعارض قوانین مدنی و اخلاق مذهبی.....	۱۵۸
۵۸-	معنی عمیق لائسیته.....	۱۶۰
۵۹-	شکل گیر روحیات و مسئله آموزش.....	۱۶۲
۶۰-	حذف نیروهای مذهب.....	۱۶۴
۶۱-	گفتار دوم: بی یقینی در اخلاق اجتماعی.....	۱۶۶
۶۱-	تأثیر سنت در تعیین قواعد اخلاقی.....	۱۶۶
۶۲-	محو مرجعیت اخلاقی.....	۱۶۷
۶۳-	عدالت اجتماعی.....	۱۷۰
۶۴-	اخلاق علمی و تحول گرایانه.....	۱۷۲
۶۵-	بدریختی اخلاق: اخلاق بورژوازی.....	۱۷۳
۶۶-	اخلاق طبقاتی و مسیحیت اجتماعی.....	۱۷۵
۶۷-	اخلاق حرفه ای.....	۱۷۷
۶۸-	اخلاق سیاسی.....	۱۷۹
۶۹-	گفتار سوم: اخلاق و قانون.....	۱۸۲
۷۰-	تمیز قواعد اخلاقی از قواعد حقوقی.....	۱۸۲
۷۰-	خلط مفهوم اخلاقی بودن با قانونی بودن.....	۱۸۵
۷۱-	راست انگاری تناقض آمیز حقوق بشر.....	۱۸۷
۷۲-	بی تفاوتی قانونگذار نسبت به اخلاقی بودن اعمال.....	۱۹۰
۷۳-	ملاحظه اخلاق در روابط خصوصی.....	۱۹۱
۷۴-	خلق یا تحمیل بی اخلاقی توسط قانون.....	۱۹۳
۷۵-	توجیه نافرمانی از قانون.....	۱۹۵
۷۶-	آیا قانون می تواند غیر اخلاقی باشد؟.....	۱۹۶

۱۹۹.....	فصل چهارم: تصاحب و دفاع از اموال
۱۹۹.....	گفتار نخست: تصاحب اموال جدید
۱۹۹.....	۷۷- محافظه کاری در روحیه صاحبان اموال
۲۰۱.....	۷۸- تسلط مالکان اراضی
۲۰۳.....	۷۹- دعوت به تحصیل اموال غیرمنقول
۲۰۵.....	۸۰- اموال غیرمادی: مناصب و انحصار در بهره برداری
۲۰۸.....	۸۱- مالکیت ادبی و مالکیت صنعتی
۲۱۰.....	۸۲- مایه تجارتی و سرقفی
۲۱۳.....	۸۳- رفع موانع ادق این مالکیت
۲۱۵.....	گفتار دوم: ملکیت و بهره برداری
۲۱۵.....	۸۴- نظارت قانون بر بهره برداری از اموال
۲۱۷.....	۸۵- اختلاف میان اربابان و بهره برداران
۲۱۹.....	۸۶- مالکیت تجاری
۲۲۲.....	۸۷- حق مزارعه و مساقات
۲۲۶.....	۸۸- حق بر اجاره و تصرف
۲۲۹.....	۸۹- گرایش بهره برداری به روی مالکیت
۲۳۱.....	گفتار سوم: مالکیت فردی و مالکیت گروهی
۲۳۱.....	۹۰- محدودیت های وارد بر مالکیت اموال
۲۳۴.....	۹۱- نظریه نسبت حقوق فردبنیان
۲۳۶.....	۹۲- مالکیت و کارکرد اجتماعی
۲۳۹.....	۹۳- قدرت شرکت های بزرگ
۲۴۲.....	۹۴- شخصیت حقوقی و مالکیت گروهی
۲۴۳.....	۹۵- ثروت ملی و ملی شدن شرکتها
۲۴۵.....	۹۶- دفاع از مالکیت فردی

۲۴۷.....	فصل پنجم: مطالبات اجتماعی
۲۴۷.....	گفتار نخست: کنش پرولتاریا و حقوق اجتماعی
۲۴۷.....	۹۷- مطالبات پرولتاریا
۲۵۰.....	۹۸- نظریه حقوق طبقاتی
۲۵۳.....	۹۹- کنش کارگری
۲۵۵.....	۱۰۰- قدرت سندیکایی
۲۵۷.....	۱۰۱- توسل به اعتصاب
۲۵۸.....	۱۰۲- دلیلی برای ضعف: اختلاف در اردوگاه

فهرست مطالب □ ۹

۲۶۰.....	۱۰۳- پیدایش حقوق اجتماعی.....
۲۶۱.....	۱۰۴- ماهیت حقوق اجتماعی.....
۲۶۳.....	۱۰۵- اصلاح بی عدالتی های اجتماعی توسط قانون.....
۲۶۴.....	گفتار دوم: قرارداد کار و رابطه کار.....
۲۶۴.....	۱۰۶- مفهوم سنتی اجاره خدمات.....
۲۶۶.....	۱۰۷- قرارداد کار: قراردادی الحاقی.....
۲۶۸.....	۱۰۸- رابطه کار.....
۲۷۰.....	۱۰۹- انسان می تواند موضوع عقد قرار گیرد؟.....
۲۷۲.....	۱۱۰- حقوق کار: حقوق یکجانبه.....
۲۷۳.....	۱۱۱- یمن های جمعی.....
۲۷۵.....	۱۱۲- مزد کار.....
۲۷۷.....	۱۱۳- مشارکت کارگران در منافع دادگاه.....
۲۷۹.....	۱۱۴- مدیریت کار.....
۲۸۱.....	۱۱۵- غیرانسانی شدن راه راه و روحه جنگ طلبانه.....
۲۸۳.....	گفتار سوم: حقوق اجتماعی.....
۲۸۳.....	۱۱۶- اعلامیه حقوق اجتماعی.....
۲۸۵.....	۱۱۷- حق نسبت به کار و اشتغال.....
۲۸۷.....	۱۱۸- حق نسبت به ایمنی.....
۲۹۰.....	۱۱۹- حق نسبت به خوشبختی.....
۲۹۱.....	۱۲۰- بازتوزیع درآمدهای ملی.....
۲۹۳.....	۱۲۱- ایدئولوژی برابری اجتماعی.....
۲۹۷.....	فصل ششم: تولد قوانین
۲۹۷.....	گفتار نخست: فن بنیادین.....
۲۹۷.....	۱۲۲- فن بنیادین و فن شکلی.....
۲۹۹.....	۱۲۳- تحلیل قاعده حقوقی.....
۳۰۰.....	۱۲۴- تعیین موضوعات حقوق.....
۳۰۱.....	۱۲۵- ویژگی عام قاعده.....
۳۰۳.....	۱۲۶- رویکرد قوانین خاص.....
۳۰۶.....	۱۲۷- استمرار قاعده: قوانین موقتی.....
۳۰۷.....	۱۲۸- ضمانت اجرای قواعد.....
۳۰۹.....	۱۲۹- تعارض قوانین.....
۳۱۰.....	۱۳۰- اجرای قوانین در زمان: اصل عطف بماسبق نشدن قوانین.....

- ۳۱۱..... ۱۳۱- افول فن بنیادین قانونگذاری
- ۳۱۳..... گفتار دوم: اصول حقوقی
- ۳۱۳..... ۱۳۲- احترام به اصول
- ۳۱۵..... ۱۳۳- ارزش سنت: ضرب المثل های حقوقی
- ۳۱۷..... ۱۳۴- ماهیت برتر عمومیت قواعد
- ۳۱۹..... ۱۳۵- الزامات عقلی در پیدایش قواعد
- ۳۲۲..... ۱۳۶- تردیدها در خصوص وجود اصول حقوقی
- ۳۲۳..... ۱۳۷- سهم ایدئولوژی
- ۳۲۵..... ۱۳۸- (۱) -ان اصول: اعلامیه حقوق
- ۳۲۶..... ۳۹- (۲) -مانت اجرای نقض اصول حقوقی
- ۳۲۸..... ۱۴۰- بیهودگی تفسیر اصول حقوقی
- ۳۳۰..... ۱۴۱- نظم سلطه قانونگذار و روح یک تمدن
- ۳۳۲..... گفتار سوم: هنر قانونگذار
- ۳۳۲..... ۱۴۲- فنون شکلی
- ۳۳۴..... ۱۴۳- جای دادن قانون در مجموعه قوانین موجود: تدوین قوانین
- ۳۳۶..... ۱۴۴- فرآیند جای دادن قانون فروع و امارات قانونی
- ۳۳۸..... ۱۴۵- تنظیم متن قانون
- ۳۴۰..... ۱۴۶- ماهیت عام و انتزاعی قاعده
- ۳۴۱..... ۱۴۷- حذف حقوقدانان و جایگزینی صاحبان حرف
- ۳۴۲..... ۱۴۸- قواعد بناشده بر فرمول های ریاضی
- ۳۴۴..... ۱۴۹- اهمیت فن مطلوب
- ۳۴۷..... فصل هفتم: پذیرش قوانین
- ۳۴۷..... گفتار نخست: اجرای قوانین توسط قوه مجریه
- ۳۴۷..... ۱۵۰- ضرورت پذیرش قوانین
- ۳۴۹..... ۱۵۱- نقش قوه مجریه
- ۳۵۱..... ۱۵۲- مساعدت اداره
- ۳۵۳..... ۱۵۳- تفسیر اداری قوانین
- ۳۵۴..... ۱۵۴- سستی یا سهل انگاری مقامات عمومی
- ۳۵۷..... ۱۵۵- دخالت اداره در اختلافات خصوصی
- ۳۵۸..... ۱۵۶- تسلط اداره
- ۳۶۰..... گفتار دوم: نقش قوه قضائیه
- ۳۶۰..... ۱۵۷- تعیین قلمروی اجرای قوانین

۱۵۸-	شکل دهی به رویه قضایی	۳۶۱
۱۵۹-	آیا رویه قضایی یکی از منابع پدیدآورنده حقوق است؟	۳۶۲
۱۶۰-	تفسیر قانون	۳۶۴
۱۶۱-	پذیرش و اجرای قوانین توسط قوه قضائیه	۳۶۶
۱۶۲-	رویکرد جدید قضات به قواعد حقوقی	۳۶۸
۱۶۳-	ماهیت اعمال قوه قضائیه	۳۷۰
۱۶۴-	تأثیر دگرگونی عصر اجتماعی	۳۷۱
۱۶۵-	نقش قوه قضائیه در اجرای قوانین	۳۷۳
۱۶۶-	گفتار سه: پذیرش قوانین توسط اشخاص ذینفع	۳۷۴
۱۶۶-	منتاع از تسلیم در برابر قوانین	۳۷۴
۱۶۷-	تصلی رادی: قوانین اختیاری	۳۷۵
۱۶۸-	تجانی اشخاص: نفع علیه قوانین امری	۳۷۷
۱۶۹-	احترام ظاهر به نظام حقوقی	۳۷۹
۱۷۰-	معاملات صوری: نقل نسبت به قانون	۳۸۱
۱۷۱-	وضعیت های عملی	۳۸۲
۱۷۲-	قانون گریزی	۳۸۴
۱۷۳-	روحیه تجری	۳۸۵
نتیجه		۳۸۷
۱۷۴-	تحقق عدالت در حقوق؟	۳۸۷
۱۷۵-	نیروی حس عدالت	۳۸۹
۱۷۶-	مزایای لیبرالیسم	۳۹۰
۱۷۷-	نظم اجتماعی: تحمیلی توسط قدرت سیاسی	۳۹۲
۱۷۸-	ایدئولوژی سازماندهی اجتماعی	۳۹۳
۱۷۹-	تحقق این ایدئولوژی توسط قدرت سیاسی: مفهومی جدید از حقوق	۳۹۴
۱۸۰-	حفاظت از تمدن بر اساس حقوق	۳۹۵
واژه نامه فرانسو - فارسی		۳۹۹

پیش گفتار مترجم

ترجمه کتاب حقوقی از دو جهت خلاف عقل سلیم است؛ نخست آن که با همین انرژی که برای ترجمه کتابی حقوقی صرف می‌شود، مترجم می‌تواند کتابی فلسفی یا ادبی ترجمه نموده و گستره وسیع‌تری از خوانندگان را جذب اثر خود نماید. مخاطبان آثار حقوقی، صرفاً دارندگان تحصیلات مشاغل حقوقی هستند که البته قابل انکار نیست که بخش کوچکی از آنان، وقت صرف مطالعه کتب غیر کاربردی می‌نمایند؛ درحالی که کل جامعه کتابخوان کشور، مخاطب آثار ادبی و فلسفی می‌باشند. از سوی دیگر، حقوق ما آن قدر به منابع بیرونی، اعم از فقهی و خارجی وابسته است که معمولاً آثار تألیفی نیز چیزی بیش از حاشیه و الحاق به این گونه آثار نیست. علاوه بر این، تألیف کتاب، الزامات خاص ترجمه، از جمله امانت‌داری و رعایت حقوق لاقفل، منبری را نیز به همراه ندارد. به همین خاطر، ترجمه آثار حقوقی اقدام نادری است که قطعاً در آینده نیز در مقایسه با سیل تألیفات حقوقی، نادر و کمیاب باقی خواهد ماند، اما فراموش نکنیم که متنازی است برای خواننده در آشنایی مستقیم و واقعی با تفکرات حقوقدانان خارجی، که یکی از تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر تفکرات حقوقدانان کشورمان داشته‌اند.

مطالعه این کتاب شاید کمکی کند به درک اینکه یک حقوقدان نجای عالم ایستاده، حقوق در میان علوم انسانی و در کنار علوم طبیعی، چه جایگاهی دارد. مسئله فکری حقوقدان چه باید باشد؟ آیا رسالت حقوقدان آن است که همچون یک شاعر دردهای بشری را نمایان سازد و حتی در حقوق راهی برای التیام آنها بیابد؟ چنین نگاهی به حقوق، مستلزم نابودی آن و در نتیجه، نابودی تمدن بشری است. کلام مقدس حقوقدان نظم است و حقوقدان این پارادایم را به هیچ بهایی کنار نمی‌نهد. به بار آمدن آثار نامطلوب در بعضی از مصادیق اجرای احکام حقوقی، شاید به شاعر و داستان‌سرا امکان خوبی برای به نقد کشیدن نظام حقوقی دهد، اما حقوقدان در این میان به مسیری چند صد ساله و گاه هزاران ساله می‌نگرد که همان حکم حقوقی، هرچند با ظاهری ناعادلانه، نظم اجتماعی را تضمین نموده. حقوقدان وابسته به طبقه خویش است، نه تنها از لحاظ فکری، بلکه از

دیدگاه ارگانیک، بدون وجود این طبقه اجتماعی اصول تمدن، از جمله توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی حقوق بشر و کرامت انسانی، بقایی نخواهد داشت؛ به همین خاطر، تضعیف این طبقه اجتماعی، از لحاظ فکری یا اقتصادی، بقای همه این اصول را به خطر می‌اندازد. درک اهمیت این جایگاه است که با وجود تمامی ناملایمات و دشواری‌هایی که طالبان علم حقوق با آن مواجه هستند، می‌تواند نگاهی توأم با اعتماد به نفس به ایشان اعطاء نماید. حقوقدان در مواجهه با متن قانون، در جایگاه منتقد ادبی قرار ندارد، در مواجهه با نظام قضایی نیز در جایگاه یک جامعه‌شناس متعصب نیست. بی‌توجهی به این مهم باعث شده است که قانون، در افواه، متنی پر غلط و بی ارزش جلوه داده شود که بی‌اعتنایی به آن، از الزامات هرهنک^۱ و روشنفکری است. نخستین طبقه‌ای که از بی‌قدر شدن قانون ضربه می‌خورد، حقوقدان است، شگفت آن که بسیاری در بی‌قدر کردن قانون از هم سبقت می‌گیرند. مطالعه دقیق این باب، روشن می‌سازد که نویسنده، تاجه حد پاسداری از جایگاه طبقه حقوقدانان و حریت قانون ارجح می‌نهد.

شکل‌گیری فلسفه حقوقی مؤلف، از زمان نگارش مقاله «حقوق موضوعه و حقوق طبیعی» (۱۹۱۸) می‌توان مشاهده نمود. اهمیت او در این مقاله، میان نظریه حقوق طبیعی که در نظرش تاریخ گذشته می‌نماید و بدست فرمالیستی از حقوق در نوسان است. در نهایت، در آثار او عدالت هم در کنار حقوق قرار می‌گیرد؛ خارج از قوانین موضوعه عدالتی قابل جستجو نیست. اما تفاوتی که میان ریپر و سایر حقوقدانان اثبات‌گرا وجود دارد، او را به سوی نوعی ایدئالیسم سوق می‌دهد. در واقع، سعی در اثبات مبانی اخلاقی برای قوانین موضوعه، نگاه عینی اثبات‌گرایی را به نگاه ذهنی و درونی ایدئالیستی نزدیک می‌کند. البته ریپر در این اعتقاد، در امتداد نظریات حقوقدانان فرانکوی قرار دارد، نظریه‌ای که گرچه صریحاً بیان نمی‌شود، اما به‌واقع قانون را بدون مبنای اخلاقی، مشروع نمی‌داند. به‌گفته روبیه^۲، همان‌گونه که حقوقدانان فرانسوی، پیش از تصویب قانون مدنی، برخی احکام را به‌عنوان «عرف‌های نامعقول»^۳ مردود اعلام می‌نمودند، حقوقدانان معاصر نیز برای بی‌اعتنایی به قانون آن را ناعادلانه می‌نامند. با این حال، نظرات ریپر فاصله زیادی با این رویکرد دارد. او در نقد قانون، تنها به آثار آن توجه ندارد، بلکه حقوقدانان را دعوت می‌نماید تا به فرایند شکل‌گیری قانون و نبرد نیروهای مختلف اجتماعی در شکل‌گیری آن توجه کنند. قانون در جریان این نبرد شکل می‌گیرد، ضمن این که هیچگاه حس عدالت در تدوین قانون بی‌تأثیر نیست. اما اگر حقوقدان سعی در کنار نهادن قانون به بهانه

1- Paul Roubier

2- les coutumes irrationnelles

ناعدالانه بودن آن نماید، به طور متقالبانه نتیجه این نبرد را برهم زده و در صورت موفقیت هم کمکی به تحقق مفهوم عدالت در بلند مدت نکرده است.

ریپر در این کتاب به خواننده نشان می‌دهد که چگونه بازی نیروهای مختلف اقتصادی، سیاسی و مذهبی، در هریک از دو سوی محافظه‌کاری یا تحول‌طلبی، باعث شکل‌گیری قوانین می‌شود. این صحنه دقیق و پر جزئیات نمایش را حقوقدانی ترسیم می‌کند که خود عمری پرتلاطم را در بطن تحولات سیاسی سپری نموده است. اما به این حد هم اکتفاء نمی‌کند. او در تحلیل حقوقی خود در مقطع تولد قانون متوقف نمی‌شود، بلکه در بحثی بدیع به مطالعه نحوه به اجراء درآمدن قانون توسط دولت، قوه قضائیه و اشخاص ذی‌نفع می‌پردازد.

فلسفه قضای مؤلف برای مدت‌ها بر نظریات حقوقی فرانسه تسلط داشته است. او با نفی حقوق طبیعی، مأمورهای دخیل در پیدایش حقوق را به تصویر می‌کشد. در این تصویر و تجسم، با این که به بسیاری دارد واقع‌گرایی را تا بالاترین حد ممکن ملحوظ نماید، اما با تلاش برای اثبات نوجوش نقش نیروهای اخلاقی در شکل‌گیری حقوق، به ورطه آرمان‌گرایی می‌لغزد. این سهم آرمان‌گرایی است در عقاید او، اما این سهم هیچ‌گاه به ترسیم واقعی امور در آثار او لطمه وارد نموده است. او سعی ندارد که آرمان خود را واقعیت جلوه دهد، به همین خاطر، سهمی نه به نیروهای مذهبی و اخلاقی در شکل‌گیری حقوق می‌دهد، هیچ‌گاه بیش از سهم واقعی آن‌ها نیست در کنار واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی، نباید سهم فرم‌گرایی را در آثار ریپر نادیده گرفت. تأکید او بر استاتی حقوق، حتی به قیمت به بار آمدن بی‌عدالتی، ناشی از اعتقاد او به وابستگی و پیوستگی حقوق و فرم است. در طول تاریخ، جایگاه نظام‌های حقوقی و دکترین‌ها را بهره‌ای بین می‌کند که از این سه عنصر برده‌اند. هیچ حقوقدانی نمی‌تواند از تمسک به واقع، آرمان یا فرم بگریزد؛ اما شاهکار ریپر در ترکیب هماهنگ این عناصر است، چنانکه واقعیت موجود، آرمان را خفه نکند، آرمان‌گرایی کمر به نابودی واقعیت نبندد و هیچ‌یک از این دو، بهانه‌ای برای نابودی فرم‌گرایی نشود، عنصری که عامل استمرار حقوق در طول قرن‌ها و وجه ممیزه آن از سایر علوم انسانی است.

محتوای این کتاب را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود، بدون اینکه این مطالب الزاماً در دو بخش مجزای کتاب آمده باشد. در یک جا بحث از ذات علم حقوق است، از جمله رابطه علم حقوق با علوم دیگر، اصول حاکم بر این علم و اصول حاکم بر قوانین. این مباحث در همه نظام‌های حقوقی قابل اعمال است، چون ناظر بر ماهیت حقوق است. اما بسیاری از بحث‌ها نیز جنبه ملی و حتی شخصی پیدا می‌کند، به خصوص آنجا که بحث به

اخلاق و مذهب می‌رسد، رویکرد نویسنده گاه تعصب‌آمیز و معمولاً پرشور و حرارت است. اما نباید پنداشت که آگاهی از این دیدگاه‌ها، برای حقوقدان ایرانی هیچ فایده ندارد. کمترین فایده این است که بینیم احکامی که مؤلف با تمسک به قواعد کلیسای کاتولیک و اخلاقیات مسیحی از آن دفاع کرده، عیناً در حقوق ایران به استناد عدالت، مورد مدح و پشتیبانی قرار گرفته است.

معرفی نویسنده

معرفی ژرژ ریبر (۱۸۸۰-۱۹۵۸) به دو صورت ممکن است؛ نخست به شکل خنثی و سنتی: ژرژ ریبر، استاد دانشکده حقوق پاریس، عضو مؤسسه حقوق تطبیقی و مؤلف آثار متعددی است در حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق دریایی و حقوق بین‌الملل.^۱ اما در کلیات حقوق یا به تعبیری فلسفه حقوق پنج اثر تألیف نموده^۲ که کتاب نیروهای پدیدآورنده حقوق آخرین به تعبیری قدر جامع و حاصل جمع آن‌هاست. دقت در این آثار، ششم حقوقی و احاطه همه حق حقوقدان برجسته را نمایان می‌سازد. پل مالوری او را به-عنوان بزرگترین حقوقدان قرن بیستم معرفی می‌نماید.^۳

اما روش دیگری نیز برای معرفی ریبر وجود دارد که انطباق بیشتری با واقعیت وجودی او دارد. رویکرد نظری و علمی ریبر در طول حیات اجتماعی‌اش به‌نحوی است که به درستی می‌توان او را یک حقوقدان «سنتی»^۴ در معنایی که در ابتدای قرن بیستم از این واژه مراد بود بود، «محافظه‌کار» معرفی نمود. او با حرارتی که در میان حقوقدانان کم‌نظیر است، آرزوی بازگشت به دوران پیش از جمعیت سوم (به‌رهبری ژنرال دوگل) را دارد. او تنها متعلق به طبقه بورژوا نیست، بلکه از محافظان آخرین و سرسخت‌ترین اعضای این طبقه به‌شمار می‌آمد.

اما در جامعه حقوقی فرانسه، همواره در رابطه با صداقت شخصی ریبر، اختلاف نظر شدیدی وجود دارد. او پیش از جنگ، به‌عنوان رئیس دانشکده حقوق پاریس، تحت لوای تفقد مسیحی، از مهاجران یهودی حمایت می‌نمود. اما پس از جنگ وزارت آموزش را در دولت ویشی پذیرفت و اقدام به تصفیه اساتید و دانشجویان یهودی نمود. در این میان،

۱- این آثار عبارتند از: ۱) دوره بنیادین حقوق مدنی (پلانیول، ۲) دوره کاربردی حقوق مدنی فرانسه، ۳) دوره حقوق

تجارت، ۴) دوره حقوق دریایی و ۵) قواعد حقوق مدنی قابل اعمال در حقوق بین‌الملل.

۲- آثار نویسنده در زمینه فلسفه حقوق علاوه بر کتاب حاضر که در سال ۱۹۵۵ به‌چاپ رسیده است، عبارتند از: ۱) قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی (۱۹۳۶)، ۲) نظام‌های مردم‌سالار و حقوق مدنی نوین (۱۹۳۶)، ۳) جنبه‌های

حقوقی سرمایه‌داری نوین (۱۹۴۷) و ۴) افول حقوق (۱۹۴۹).

3- Ph. Malaurie, *Anthologie de la pensée juridique*, Cujas, 2^e éd.

حتی ملاحظه دوستی خود با رنه کسن^۱، استاد یهودی دانشکده حقوق را ننمود. پس از آن نیز در مقدمه‌ای بر کتاب مطالعه حقوق آلمان، حقوقدانان فرانسوی را دعوت نمود تا معنای عینی حقوق ناسیونال-سوسیالیستی را دریابند.^۲

اما قضاوت درباره ریپر بدون در نظر داشت اوضاع زمان، صحیح نخواهد بود. در آن دوره آشفتگی، در میان اساتید حقوق، همچون قضات، تنها تعداد انگشت شماری به‌بهایی جان، از مواضع پیشین خود دفاع نمودند. از سوی دیگر، جامعه اروپایی در زمان تهاجم آلمان، خود را با دشمن بزرگتری مواجه می‌دید. دشمنی که به لحاظ نسبت فرهنگی، نه تنها بیگانه‌تر از آلمان نازی بود، بلکه به لحاظ ایدئولوژیک نیز سختی با مبانی تمدنی اروپای غربی نداشت. این گونه بود که پتن در ۱۹۴۲ گفت: «پیروزی آلمان آرزوی من است، در غیر این صورت، فردا به سورس بر دنیا مسلط خواهد شد». اما ریپر تاوان اعتقاد خود را داد. دوران نیز گردش عجب داشت و در ۱۹۴۴ ریپر بازداشت و زندانی شد. تا ۱۴ فوریه ۱۹۴۵ زندانی بود و در آوریل ۱۹۴۷ دادگاه عالی عدالت او را از اتهام خیانت به کشور تبرئه نمود. پس از آن مجدداً دانشکده حقوق دعوت شد و در سال ۱۹۵۰، شاید برای دلجویی از وی، مجموعه آثاری با عنوان مطالعات ریپر: حقوق فرانسه در میانه قرن بیستم، به چاپ رسید. البته تا آن‌جا که حارم است، امروز و دیگر اساتیدی که در دوران ویشی، به مقاومت ضد آلمانی پیوسته بودند، اثری به این مجموعه اهداء ننمودند. اما ریپر هیچ‌گاه تغییر موضع نداد. دست از انتقاد از جمهوری دوگوش نکشید و در توصیف شرایط اسفباری که بر نظام حقوقی فرانسه مستولی شده بود، کتاب *افول حقوق* را ۱۹۴۹ به رشته تحریر درآورد. پس از آن، کتابی را نوشت که تاکنون نیز به‌عنوان اثری مهم در مبانی حقوق شناخته می‌شود. کتاب *نیروهای پدیدآورنده حقوق* در رجه نخست در پی پاسخ به چرایی تبعیت از قانون است. پاسخی است به نظریات حقوقدانان سوسیالیست و اثری است در تقبیح هرگونه انقلاب و انقلاب‌پرستی.

ریپر کتاب‌های خود را در رد و انکار نظام‌های حقوقی مارکسیستی و حقوق طبیعی نوشته است. حقوق برای حقوق، ایستایی حقوق و دفاع از حقوق ملی، مفاهیمی است که او سعی در دفاع از آن دارد. رد و انکار این نظام‌های فکری برای او دشوار، اما ممکن و تصور بود. با این حال، امروز که به‌خصوص با شکل‌گیری اتحادیه اروپایی، نظام‌های حقوقی ملی اروپایی، تضعیف شده و منطق نظام حقوقی اروپای قاره‌ای، در مقابل بی‌منطقی نظام حقوقی انگلوساکسون، حرفی برای گفتن ندارد، دفاع از ایستایی حقوق و استقلال نظام-

1- René Cassin

2- Préface à *Etudes de droit allemand*, LGDJ, 1943.

های حقوقی ملی، به مراتب دشوارتر از زمان حیات ریپر است. با این حال، نگاهی واقع-گرایانه به این شرایط، حقوقدان را مجبور می‌کند نسبت به استمرار آن تردید جدی داشته باشد. غلبه نظام حقوقی انگلوساکسون نه به‌خاطر دقت در ساختارهای منطقی است، نه قابلیت ذاتی آن برای شمول نسبت به همه نظام‌های حقوقی موجود، بلکه نتیجه شرایط اقتصادی حاکم بر بازار جهانی است. غلبه اقتصادی کشورهای برخوردار از این نظام، بکارگیری نمونه‌های قراردادی و به تبع، احکام حقوقی وابسته به این قراردادها را اجتناب-ناپذیر نموده است. بی‌شک با افول این قدرت اقتصادی، جذابیت این نظام حقوقی نیز رنگ خواهد باخت. آنگاه، در صورت جایگزینی نظام اقتصادی دیگر، نظام حقوقی دیگری نیز جایگزین نظام موجود خواهد شد. البته چنانچه جهانی‌سازی اقتصاد نتواند به هدف نهایی خود، یعنی تمرکز اقتصاد جهانی در دست اشخاص معدود برسد، نظام‌های حقوقی ملی با همان سرعت که هم‌رنگ نظام حقوقی انگلوساکسون شده‌اند، از آن فاصله خواهند گرفت.

تحلیل نظریه ریپر (پوزیویسم اخلاقی)

شاید بتوان عنوان «اثبات رای» اخلاقی را بر نظریات ریپر اطلاق نمود. در اثبات‌گرا بودن او شکی نیست. وجود قانون را برای اعتبار قانون کافی می‌داند. قانون بد را همان-قدر لازم‌الاجراء می‌داند که قانون خوب. بی‌نظمی ناشی از کنارگذاشتن قانون را به بهانه ناعادلانه بودن آن، بدتر از بی‌عدالتی ناشی از اجرای آن می‌داند.^۱ اخلاق‌گرایی نیز وصف جدایی‌ناپذیر نظریات نویسنده است. تنها معیار سنجش اعتبار ارزش و اعتبار قواعد حقوقی را انطباق آن با اخلاق مذهبی می‌داند.^۲ اما مشکل در این جاست که اثبات‌گرایی یا پوزیتیویسم از وضع موجود طرفداری می‌کند. وضع موجود یک حقیقت است و این حقیقت، به‌خاطر همین حقیقی بودن، ضروری و غیرقابل چالش بودن است. اما اخلاق از مقوله ارزش‌هاست و با حقیقت که مفهومی مابعدالطبیعی است، بی‌ابطن ندارد. نمی‌توان از وجود چیزی اخلاقی بودن آن را نتیجه گرفت یا از اخلاقی بودن، وجود یا ضرورت وجودی را. این تناقض باعث شده که ریپر در اثبات‌گرایی خود، گزینشی عمل کند. به این معنی که هر جا قانون موجود با اخلاقیات مسیحی منطبق است، وجود آن و به تبع ضرورت آن را تصدیق نماید، اما هر جا که این هماهنگی را مشاهده نکرده، منکر وجود قاعده حقوقی شود.

۱- پاراگراف ۲۶.

۲- پاراگراف ۱۳۲.

۳- پاراگراف ۱۷۲.

۴- پاراگراف ۵۶.